



دانشکده تربیت
گروه مشاوره
رشته مشاوره خانواده
پایان نامه کارشناسی ارشد

رابطه سبک‌های فرزند پروری و سبک‌های دل‌بستگی به والدین با دل‌بستگی به خدا در دو گروه با جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی

استاد راهنما

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نجیب الله نوری

استاد مشاور

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عباس آیینه چی

نگارش

فرید قیاسی

شهریور ۱۴۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صورت جلسه دفاع



دانشکده تربیت
گروه مشاوره
رشته مشاوره خانواده
پایان نامه کارشناسی ارشد

رابطه سبک‌های فرزند پروری و سبک‌های دل‌بستگی به والدین با دل‌بستگی به خدا در دو گروه با جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی

استاد راهنما

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نجیب الله نوری

استاد مشاور

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عباس آیینه چی

نگارش

فرید قیاسی

شهریور ۱۴۰۰



بسمه تعالی

تعهدنامه اصالت پایان نامه

این جانب فرید قیاسی فرزند رحمان متولد ۱۳۶۹/۰۶/۱۲ به کد ملی ۳۰۵۰۰۹۹۸۵۹ صادره از نهاوند به شماره دانش پژوهی ۹۵۱۱۱۰۰۱ رشته مشاوره و راهنمایی متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی این جانب است و دستاوردهای پژوهشی دیگر آن که در این زمینه از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است.

این پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف در هر زمان مدرک تحصیلی صادر شده توسط مؤسسه از اعتبار ساقط خواهد شد.

فرید قیاسی

امضاء

بسمه تعالی

حقوق مادی و معنوی پایان نامه

چاپ و انتشار پایان نامه های تحصیلی دانش پژوهان مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت بیان گر بخشی از فعالیت های علمی - پژوهشی مؤسسه است.

این جانب فرید قیاسی دانش پژوه رشته مشاوره و راهنمایی مقطع کارشناسی ارشد متعهد می گردم موارد ذیل را در خصوص حقوق مادی و معنوی پایان نامه ام با عنوان:

رابطه سبک های فرزند پروری و سبک های دل بستگی به والدین با دل بستگی به خدا در دو گروه با جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی

رعایت نمایم و در صورت تخلف از موارد ذیل، کلیه تبعات حقوقی آن بر عهده این جانب خواهد بود:

۱. در صورت اقدام به چاپ پایان نامه، مراتب را قبلاً به صورت کتبی به معاونت پژوهش مؤسسه اطلاع دهم و در صورت تمایل مؤسسه به چاپ پایان نامه به صورت کتاب اولویت با مؤسسه خواهد بود.

۲. در صورت موافقت معاونت پژوهش با چاپ پایان نامه به صورت کتاب توسط دانش پژوه، در صفحه سوم کتاب پس از برگ شناسنامه عبارت ذیل چاپ گردد:

«کتاب حاضر حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته مشاوره خانواده است که در سال ۱۴۰۰ در مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت به راهنمایی حجت الاسلام والمسلمین دکتر نجیب الله نوری و مشاوره حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباس آیینی چی از آن دفاع شده است.»

۳. به منظور غنی سازی منابع و مآخذ کتابخانه مؤسسه، دو نسخه از آن به کتابخانه و دو نسخه دیگر جهت بهره برداری به معاونت پژوهش اهدا خواهد شد.

فرید قیاسی

امضاء

تقدیم

بہ ساحت مقدس اہل بیت علیہم السلام

مخصوصاً قطب عالم امکان حضرت صاحب الامر

عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف کہ ریزہ خوار ایشان

هستیم و حضرت معصومه سلام الله علیها که در سایه

لطف و کرامتشان هستیم.

تشکر

خداوند منان را سپاس می‌گوییم که هرچه هست از لطف و عنایت اوست. بر خود لازم می‌دانم که از کسانی که در ثمر رسیدن این پژوهش، یاریم کردند تشکر کنم.

از استاد ارجمند، جناب آقای حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نوری که با راهنمایی‌های ارزشمند و بی‌دریغ خود، نقشی بی‌بدیل در تدوین این تحقیق داشتند، همچنین از استاد بزرگوار حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر آیینه چی که از مشاوره‌های ایشان بهره‌بردم و با حسن خلق مرا یاری دادند، کمال تشکر و سپاس را دارم.

از استاد داور محترم که زحمت داوری این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند، کمال سپاس‌گزاری را دارم. همچنین از پدرم که در تمام زمینه‌ها پشتیبانم بودند و مادرم که الفبای زندگی را به من آموختند و از همسرم که در تمام مراحل زندگی در کنارم بود و محیطی سرشار از آرامش برایم فراهم نمود و فرزند دلبندم که نور چشمان من است، تشکر کنم.

همچنین از تمام کسانی که بذل وقت در تکمیل پرسشنامه‌ها یاری کردند، تشکر می‌کنم.

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری و سبک‌های دل‌بستگی به والدین با دل‌بستگی به خدا در دو گروه با جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی بوده است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی، از لحاظ رویکرد کمی و از جهت گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. نمونه آماری در این پژوهش تعداد ۳۶۴ نفر از کسانی هستند که در سال‌های اخیر فارغ‌التحصیل یا مشغول به تحصیل در مقاطع کارشناسی تا دکتری رشته‌های مشاوره و روانشناسی بودند و از سراسر کشور در یک گروه مجازی تشکیل شده در فضای مجازی عضویت داشتند که با روش در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه دل‌بستگی به خدا در اسلام (M-SAS) غباری بناب و حدادی کوهسار (۱۳۹۰)، پرسشنامه دل‌بستگی (RAAS) کولینز و رید (۱۹۹۰)، مقیاس سبک‌های فرزند پروری بامریند (۱۹۹۱)، مقیاس جهت‌گیری مذهبی آلپورت و راس (۱۹۶۷) بود. داده‌ها با روش همبستگی و تحلیل رگرسیون به وسیله نرم‌افزار spss-۲۲ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

نتایج نشان داد که بین سبک‌های فرزند پروری، انواع دل‌بستگی به والدین، دل‌بستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی همبستگی وجود دارد ولی بین سبک‌های فرزند پروری و انواع دل‌بستگی به والدین با دل‌بستگی به خدا در دو گروه جهت‌گیری مذهبی تفاوت معناداری وجود ندارد همچنین مشخص شد سبک فرزند پروری مقتدرانه با ضریب تعیین $R^2=0/015$ قادر است به عنوان مهم‌ترین متغیر، دل‌بستگی به خدا را به طور معنی‌دار پیش‌بینی کند. در گام دوم سبک مقتدرانه، سبک ایمن حدود ۲ درصد از تغییرات دل‌بستگی به خدا را تبیین می‌کنند.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم	۱
۱-۱- مقدمه	۲
۱-۲- بیان مسئله	۳
۱-۳- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق	۷
۱-۴- فرضیه‌های پژوهش	۱۰
۱-۵- اهداف	۱۰
۱-۶- متغیرهای پژوهش	۱۰
۱-۶-۱- تعریف مفهومی متغیرها	۱۱
سبک‌های فرزند پروری	۱۱
دل‌بستگی به والدین	۱۱
دل‌بستگی به خدا	۱۲
جهت‌گیری مذهبی	۱۲
۱-۶-۲- تعریف اصطلاحی متغیرها	۱۲
سبک‌های فرزند پروری	۱۲
دل‌بستگی به والدین	۱۲
فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش	۱۴
مقدمه	۱۵
۲-۱- سبک‌های فرزند پروری	۱۵
۲-۱-۱- نظریه‌های مطرح در مورد سبک‌های فرزند پروری	۱۵
۲-۱-۱-۱- آدلر	۱۵
۲-۱-۱-۲- نظریه شفر (۱۹۹۳)	۱۷
۲-۱-۱-۳- نظریه وینتر باتوم (۱۹۵۳)	۱۸
۲-۱-۱-۴- نظریه بامریند (۱۹۶۰)	۱۹
۲-۱-۱-۴-۱- بعد پذیرندگی - پاسخ دهندگی	۱۹
۲-۱-۱-۴-۲- بعد توقع داشتن و کنترل	۱۹
۲-۱-۱-۴-۳- سبک فرزند پروری مستبدانه	۲۰
۲-۱-۱-۴-۳-۱- پیامدهای سبک فرزند پروری مستبدانه	۲۲
۲-۱-۱-۴-۴- سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه	۲۲
۲-۱-۱-۴-۴-۱- پیامد سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه	۲۵

- ۲۶ ۵-۴-۱-۲- سبک فرزند پروری قاطعانه
- ۲۸ ۱-۵-۴-۱-۲- پیامدهای سبک فرزند پروری قاطعانه
- ۲۹ ۱-۱-۲- نظریه اریکسون
- ۳۰ ۲-۱-۲- عوامل مؤثر بر شیوه‌های فرزند پروری
- ۳۰ ۲-۲- دل‌بستگی
- ۳۱ ۱-۲-۲- تعاریف دل‌بستگی
- ۳۳ ۲-۲-۲- تفاوت دل‌بستگی با وابستگی
- ۳۴ ۳-۲-۲- گستردگی مفهوم دل‌بستگی
- ۳۴ ۴-۲-۲- مراحل دل‌بستگی
- ۳۵ ۵-۲-۲- مبنای نظری دل‌بستگی
- ۳۵ ۶-۲-۲- نظریه‌های دل‌بستگی
- ۳۵ ۱-۶-۲-۲- نظریه روان تحلیل‌گری فروید
- ۳۶ ۲-۶-۲-۲- نظریه آنا فروید
- ۳۷ ۳-۶-۲-۲- نظریه اریکسون
- ۳۷ ۴-۶-۲-۲- نظریه یادگیری
- ۳۸ ۵-۶-۲-۲- نظریه کردارشناسی
- ۳۹ ۶-۶-۲-۲- نظریه شناختی
- ۴۰ ۷-۶-۲-۲- نظریه آدلر
- ۴۱ ۸-۶-۲-۲- نظریه اشپیتز
- ۴۱ ۹-۶-۲-۲- نظریه ماهر
- ۴۲ ۱۰-۶-۲-۲- نظریه مالانی کلاین
- ۴۳ ۱۱-۶-۲-۲- نظریه کارن هورنای
- ۴۳ ۱۲-۶-۲-۲- نظریه هارلو
- ۴۴ ۱۳-۶-۲-۲- نظریه دونالد وینی کات
- ۴۵ ۱۴-۶-۲-۲- نظریه سالیوان
- ۴۵ ۱۵-۶-۲-۲- نظریه مازلو
- ۴۶ ۱۶-۶-۲-۲- نظریه دل‌بستگی بالبی
- ۴۶ ۷-۲-۲- انواع سبک‌های دل‌بستگی (سه‌گانه) در کودکان
- ۴۷ ۱-۷-۲-۲- سبک دل‌بستگی ایمن
- ۴۷ ۲-۷-۲-۲- سبک دل‌بستگی نایمن اجتنابی

۴۷	۲-۲-۷-۳- سبک دل‌بستگی نایمن اضطرابی / دوسوگرا
۴۸	۲-۲-۷-۴- سبک دل‌بستگی نایمن آشفته/ سردرگم
۴۸	۲-۲-۸- ثبات الگوهای دل‌بستگی
۴۸	۲-۲-۹- دل‌بستگی به پدر و مادر
۴۹	۲-۳- دل‌بستگی به خدا
۵۰	۲-۳-۱- خدا در دیدگاه برخی روانشناسان
۵۱	۲-۳-۲- دل‌بستگی به خدا و پیامدهای روان‌شناختی
۵۲	۲-۳-۳- دل‌بستگی به خدا در اسلام
۵۲	۲-۳-۴- الگوهای دل‌بستگی به خدا
۵۲	۲-۳-۴-۱- الگوی انطباقی
۵۳	۲-۳-۴-۲- الگوی جبرانی
۵۳	۲-۴- جهت‌گیری مذهبی
۵۴	۲-۴-۱- آثار و فواید دین‌داری
۵۶	۲-۴-۲- مذهب و سلامت روان
۵۷	۲-۴-۳- نظریه آلیس
۵۸	۲-۴-۴- نظریه آلپورت
۵۹	۲-۴-۴-۱- جهت‌گیری مذهبی درونی
۶۳	۲-۵- پیشینه پژوهش
۶۸	فصل سوم: روش تحقیق و اجرای پژوهش
۶۹	مقدمه
۶۹	۳-۱- روش تحقیق
۷۰	۳-۲- جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری
۷۰	۳-۲-۱- جامعه آماری
۷۱	۳-۲-۲- نمونه آماری
۷۱	۳-۲-۳- روش نمونه‌گیری
۷۲	۳-۳- ابزار پژوهش
۷۲	۳-۳-۱- پرسشنامه دل‌بستگی به خدا در اسلام (M-SAS)
۷۴	۳-۳-۲- پرسشنامه دل‌بستگی کولینز و رید
۷۶	۳-۳-۳- مقیاس سبک‌های فرزند پروری
۷۷	شیوه نمره‌گذاری

۷۷	پایایی
۷۷	۳-۳-۴- پرسشنامه جهت گیری مذهبی
۷۸	شیوه نمره گذاری
۷۸	پایایی
۷۸	۳-۴- روش تجزیه و تحلیل داده ها و ابزار پژوهش
۷۸	۳-۵- ملاحظه های اخلاقی
۸۰	فصل چهارم: یافته های پژوهش
۸۱	۴-۱- مقدمه
۸۱	۴-۲- نتایج آمار توصیفی
۸۲	۴-۲-۱- بررسی حجم نمونه به تفکیک جنسیت
۸۳	۴-۲-۲- بررسی حجم نمونه به تفکیک سطح تحصیلات
	۴-۲-۳- بررسی توصیفی نمرات پاسخ دهندگان به تفکیک سبک های فرزند پروری، انواع دل بستگی به والدین، دل بستگی به خدا و جهت گیری مذهبی
۸۴	
۸۶	۴-۲-۴- بررسی نمرات آزمودنی ها در متغیر جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی
۸۷	۴-۳- نتایج آمار استنباطی و آزمون فرضیه ها
۸۷	۴-۳-۱- بررسی فرضیه نرمال بودن داده ها با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف
۸۸	۴-۳-۲- آزمون فرضیات پژوهش
۹۷	فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری
۹۸	۵-۱- مقدمه
۹۹	۵-۲- خلاصه مراحل انجام شده در تحقیق
۹۹	۵-۳- نتیجه گیری
۹۹	۵-۳-۱- نتیجه گیری مبتنی بر فرضیه اول تحقیق
۱۰۲	۵-۳-۲- نتیجه گیری مبتنی بر فرضیه دوم تحقیق
۱۰۴	۵-۳-۳- نتیجه گیری مبتنی بر فرضیه سوم تحقیق
۱۰۸	۵-۴- پیشنهادات برگرفته از نتایج تحقیق
۱۰۸	۵-۴-۱- پیشنهادات مبتنی بر فرضیه فرعی اول
۱۰۹	۵-۴-۲- پیشنهادات مبتنی بر فرضیه فرعی دوم
۱۰۹	۵-۴-۳- پیشنهادات مبتنی بر فرضیه فرعی سوم
۱۰۹	۵-۵- پیشنهادات پژوهشی
۱۱۰	۵-۶- محدودیت های پژوهش

فهرست منابع.....	۱۱۱
منابع فارسی.....	۱۱۱
مقالات و پایان نامه‌ها.....	۱۱۲
منابع لاتین.....	۱۱۹

فهرست جداول و نمودارها

جدول ۱-۳: تعداد و شماره سؤالات مؤلفه‌های پرسشنامه دل‌بستگی به خدا.....	۷۳
جدول ۲-۳: شاخص‌های پایایی مقیاس دل‌بستگی به خدا.....	۷۴
جدول ۳-۳: شاخص‌های پایایی مقیاس دل‌بستگی بزرگسالان.....	۷۶
جدول ۴-۳: شاخص‌های پایایی مقیاس دل‌بستگی بزرگسالان در این پژوهش.....	۷۶
جدول شماره ۱-۴: نحوه توزیع پاسخگویان به تفکیک جنسیت.....	۸۲
نمودار شماره ۱-۴: نحوه توزیع پاسخگویان به تفکیک جنسیت را نشان می‌دهد.....	۸۲
جدول شماره ۲-۴: نحوه توزیع پاسخگویان به تفکیک سطح تحصیلات.....	۸۳
نمودار شماره ۲-۴: نحوه توزیع پاسخگویان به تفکیک سطح تحصیلات.....	۸۳
جدول شماره ۳-۴: توصیف نمرات به تفکیک سبک‌های فرزند پروری، انواع دل‌بستگی به والدین، دل‌بستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی.....	۸۴
جدول شماره ۴-۴: توصیف نمرات در متغیر جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی.....	۸۶
جدول شماره ۵-۴: نتیجه آزمون نرمال بودن برای توزیع داده‌های سبک‌های فرزند پروری، انواع دل‌بستگی به والدین، دل‌بستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی.....	۸۸
جدول ۶-۴: ماتریس ضرایب همبستگی، سبک‌های فرزند پروری، انواع دل‌بستگی به والدین، دل‌بستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی.....	۸۹
جدول ۷-۴: آزمون t برای مقایسه سبک‌های فرزند پروری و انواع دل‌بستگی به والدین با دل‌بستگی به خدا در دو گروه جهت‌گیری مذهبی.....	۹۱
جدول ۸-۴: تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام سبک‌های فرزند پروری، انواع دل‌بستگی به والدین و جهت‌گیری مذهبی در پیش‌بینی دل‌بستگی به خدا.....	۹۲
جدول ۹-۴: جهت بررسی تعدیل‌گری جهت‌گیری مذهبی در ارتباط سبک‌های فرزند پروری با دل‌بستگی به خدا.....	۹۳
جدول ۱۰-۴: جهت بررسی تعدیل‌گری جهت‌گیری مذهبی در ارتباط سبک‌های دل‌بستگی به والدین با دل‌بستگی به خدا.....	۹۴

جدول ۴-۱۱: تحلیل رگرسیون گام به گام سبک‌های فرزند پروری، انواع دل‌بستگی به والدین و جهت‌گیری مذهبی (متغیرهای پیش‌بین) در پیش‌بینی دل‌بستگی به خدا (متغیر ملاک)..... ۹۵

فصل اول

کلیات و مفاهیم

۱-۱- مقدمه

یکی از عوامل مشخص شده در سلامت روانی که پایه های نظری آن پی ریزی شده و پژوهش های متعدد تجربی اثربخشی آن را تأیید کرده است، کیفیت دلبستگی^۱ بزرگ سالی (دلبستگی به والدین و بزرگ سالان) است. از آنجایی که مبنای نظری دلبستگی به خدا^۲ با مبنای نظری دلبستگی انسانی مشابه است، می توان پیش بینی کرد که کیفیت دلبستگی به خدا نیز به عنوان یک سازه کلیدی و تأثیرگذار در سلامت روانی^۳ و سلامت معنوی افراد می باشد (غباری و حدادی کوهسار، ۱۳۹۰)

رابطه فرد با خدا، به عنوان نوعی رابطه دلبستگی بررسی شده است. خداوند در متون دینی به عنوان موضوع دلبستگی معرفی می شود که افراد، هنگام ناراحتی و رنج های جسمی، روحی و روانی به او نزدیک می شوند و از او کمک می طلبند و او را پایگاهی امن و پناهگاه مطمئن می یابند خداوند در الگوی دلبستگی، حمایت گر، حکیم و دانا، در دسترس و اجابت کننده خواست بندگان تلقی می شود و بندگان افرادی به شمار می روند که نیازمند او هستند و او را همه جا حاضر و قدرتمند و حکیم می دانند (غباری بناب و همکاران، ۱۳۹۱).

بک^۴ (۲۰۰۶) معتقد است افرادی که دلبستگی بیشتری به خدا دارند و این دلبستگی از نوع ایمن است کمتر دچار تنش و افسردگی می شوند و احساس رضایت و صمیمیت بیشتری دارند و در مقابل مصائب تاب آوری بیشتری دارند.

1 Attachment

2 Attachment to God

3 Sanity

4 Beak

بلاویچ و پارگامنت^۱ معتقدند دل‌بستگی ایمن به خدا مقاومت موفقیت‌آمیز افراد را در برابر موقعیت‌های چالش‌برانگیز افزایش می‌دهد. همچنین، باعث می‌شود افراد باوجود مواجهه با استرس‌های مزمن و تنیدگی‌ها از آثار نامطلوب آن کاسته و سلامت روانی خود را حفظ کنند.

افراد با دل‌بستگی ایمن به خدا، اضطراب، افسردگی، تنهایی و سطوح پایینی از آشفتگی‌های روان‌شناختی و سطوح بالاتری از رضایت از زندگی را نشان می‌دهند (برادشاو^۲، الیسون و مارکوم^۳، ۲۰۱۰، هومان و بویائزیس^۴، ۲۰۱۰).

۲-۱- بیان مسئله

در میان مفاهیم متعدد دینی و معنوی، دل‌بستگی به خدا به‌عنوان یکی از بهترین مفاهیم بیان‌کننده دین‌داری^۵ موردتوجه پژوهش‌گران عرصه روانشناسی قرارگرفته است (محمودی، ۱۳۹۳). بک و مک‌دونالد^۶، (۲۰۰۴) دل‌بستگی به خداوند را نوعی صمیمیت و نزدیکی باخدا می‌دانند و دل‌بستگی ناایمن به خداوند که شامل اضطراب از طرد از سوی خداوند و اجتناب از صمیمیت باخداست را موردبررسی قرار می‌دهند. کریک پاتریک^۷ (۱۹۹۹) به‌عنوان یکی از نخستین نظریه‌پردازان در زمینه دل‌بستگی به خدا، معتقد است دل‌بستگی به مراقب اولیه در دوران کودکی، باگذشت زمان و در چارچوب نظام‌های دیگر همانند دل‌بستگی به خدا و وطن ادامه می‌یابد.

ارتباط با خداوند به لحاظ نظری، مبتنی بر دیدگاه دل‌بستگی به والدین (مراقب-کودک) می‌باشد (کریک پاتریک، سروف فلیسون^۸ ۲۰۰۶؛ گرانکوئیست^۹، کریک پاتریک ۲۰۱۱) در همین راستا کریک پاتریک (۲۰۰۰) معتقد است که چهار ویژگی که ایشورث (۱۹۸۷) برای دل‌بستگی انسانی (دل‌بستگی مراقب-کودک) برشمرده است در ارتباط با خداوند به‌عنوان چهره دل‌بستگی قابل‌ردیابی است. نظریه

1 Belavich & Pargament

2 Bradshaw

3 Ellison & Marcum

4 Homan, & Boyatzis

5 Piety

6 Beck, mcdonald

7 Kriek, patriek

8 Kriek, patriek, sroflison

9 Grankoist

دلبستگی اولین بار توسط بالبی^۱ (۱۹۷۳ به نقل از کریک پاتریک، ۱۹۹۹) مطرح شد، وی ذکر کرد نظریه دلبستگی یک تحول دائمی است و اگرچه رفتار دلبستگی در طول کودکی واضح تر است اما در چرخه زندگی بخصوص در مواقع اضطراری مشاهده می شود. بالبی (۱۹۸۰) بیان می دارد که روابط کودک با مراقبان (مادر یا جانشین مادر) در سال های اولیه زندگی منجر به تشکیل الگوهای روانی خاصی می شود که مبنای بیشتر روابط بین فردی در بزرگسالی است. موضوع دلبستگی پناهگاه مطمئنی برای کودک فراهم می کند تا کودک هنگام تنیدگی و درماندگی به سوی او بازگردد و پایگاه امنی برای کاوش کودک در محیط است به ویژه زمانی که موضوع دلبستگی حضور ندارد (سپاه منصور، شهابی زاده و خوشنویس ۱۳۸۷). خدا به عنوان چهره دلبستگی، پناهگاهی ایمن در زمان پریشانی یا تهدید برای مؤمنان است (احیاکننده و مزیدی، ۱۳۹۳). زمانی که مؤمن خبرهایی در مورد مرگ و از دست دادن عزیز خود دریافت می کند، تمایل دارد که به خدا به عنوان پناهگاه امن، نزدیک شود تا دوباره حس امنیت و آرامش را به دست آورد (اوکوزی^۲، ۲۰۱۰، ص ۲۴). فرد با اعتقاد به اینکه خدا اساس ایمنی است، احساس قدرت نموده، اعتماد به نفسش هنگام اضطراب و ترس افزایش می یابد. این احساس ایمنی به آرامش درونی در فرد منجر شده، وی را برای مقابله با مشکلات و چالش های زندگی آماده می کند؛ بنابراین، این احساس ایمنی، پادزهری در برابر ترس و اضطراب است (سپاه منصور و همکاران، ۱۳۸۷).

عقیده رایج بر این است که دلبستگی به والدین و سایر الگوهای دلبستگی از جمله خداوند می تواند متأثر از سبک های فرزند پروری^۳ باشد (ماهر و کمیجانی، ۱۳۸۶). بامریند^۴ (۱۹۹۱) سبک فرزند پروری را به عنوان کارکرد کنترلی والدین معرفی می کند و با توجه به ابعاد رفتاری، گرمی و کنترل آن را به انواع مستبدانه، مقتدرانه و سهل گیرانه تقسیم می کنند. سبک فرزند پروری مستبدانه، با کنترل سخت، سطح محدودیت بالا، انضباط ناپایدار و خشن، میزان پایین حمایت عاطفی و گرمی مشخص می شود. والدین با این سبک فرزند پروری فاقد گرمی و صمیمیت در روابط خود با فرزندان هستند و

1 Bowlby

2 Okzie

3 parenting styles

4 Bamriend

انتظار دارند که فرزندان خواسته‌ها و تقاضاهای آن‌ها را بی‌چون‌وچرا برآورده کنند (گیمبل و هالند^۱ ۲۰۰۲)، سبک فرزند پروری مقتدرانه با ترکیبی از کنترل و حمایت عاطفی بالا، سطح مناسب استقلال و روابط دوسویه بین والدین و کودک شناسایی می‌شود. والدین با این سبک تربیتی به صورت افرادی گرم و صمیمی توصیف شده‌اند (ریتمن، رود و هاپ^۲، ۲۰۰۲). سبک فرزند پروری سهل گیرانه با فقدان کنترل والدین و پاسخ‌دهی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود. والدین سهل گیر سعی دارند برای کودکان خود محیطی گرم، آرام و پذیرا به وجود آورند، باین حال بر اعمال فرزندان خود کنترل و نظارت ندارند (کارزا، عبدی و حیدری، ۱۳۹۴).

از طرفی به نظر می‌رسد سبک‌های دل‌بستگی به خدا متأثر از سبک دل‌بستگی فرد به والدین است در پژوهشی که مک‌دونالد، بک (۲۰۰۴) انجام دادند این نتایج حاصل شد: بین دل‌بستگی والدین-کودک و دل‌بستگی به خدا ارتباط وجود داشت. خانواده‌هایی که از نظر هیجانی سرد یا غیر معنوی بودند سطوح بالاتر اجتناب از دوستی در ارتباطشان با خدا ابراز کردند. (هنری ماسن^۳ ترجمه یاسایی، ۱۳۷۷). در تحلیل ارتباط بین این دو نوع دل‌بستگی کریک پاتریک و شیور (۱۹۹۰) دو فرضیه را مطرح کردند: ۱-فرضیه انطباقی ۲-فرضیه جبرانی. فرضیه انطباقی مبنی بر قانون انتقال است و بیان می‌کند که روابط اولیه چارچوبی درباره روابط آینده به‌ویژه ارتباط باخدا فراهم می‌کند (کریک پاتریک، ۲۰۰۵) و فرضیه جبرانی بیان می‌کند که افراد با تاریخچه دل‌بستگی ناایمن نیاز به چهره دل‌بستگی جانشین دارند (سورنسون^۴، ۲۰۰۴).

همچنین از عواملی که تصور می‌شود با دل‌بستگی به خدا رابطه داشته باشد جهت‌گیری مذهبی^۵ افراد است و این عامل می‌تواند نتیجه را تغییر دهد. در خصوص نقش مذهب در مسائل مختلف پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عضویت در گروه‌های مذهبی هم منعکس‌کننده و هم تحکیم‌کننده ارزش و بهای زندگی خانوادگی می‌باشد و نتایج بررسی‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر حاکی از آن بوده‌اند که حضور در مراسم مذهبی و پرستش خداوند با بسیاری از شاخص‌های کیفیت زناشویی و موفقیت

1 Gimbel, haland

2 Ritmen, rodvhap

3 Henrymasen

4 Sorenson

5 Religious orientaions

مثل شادی، رضایت، سازگاری و دوام زناشویی، سبک های تربیتی صحیح والدین رابطه مثبت و با پیامدهای منفی زناشویی و خطر طلاق و برخورد نامناسب با فرزندان رابطه معکوس دارد (کال و هیتون^۱ ۱۹۹۷، به نقل از بهرامی احسان و تاشک، ۱۳۸۳). همچنین محققین مذهب بر این باورند که جهت گیری درونی و سالم مذهبی فرد بر کارکردها و نقش هایی که او دارد، تأثیرگذار است. این نقش ها و کارکردها شامل ابعاد مختلف زندگی از جمله شغل و کارکرد اجتماعی، برنامه و ارتباط های فرهنگی و به صورت مؤثر بر خانواده تأثیر می گذارد (غباری، ۱۳۸۷). از دیدگاه آلپورت^۲ (۱۹۶۷) جهت گیری مذهبی به دو صورت درونی و بیرونی می باشد. در جهت گیری مذهبی درونی ایمان به خودی خود به عنوان یک ارزش متعالی نه به خاطر چیزی تلقی می گردد و یک تعهد انگیزش فراگیرانه وسیله ای برای دستیابی به اهداف در نظر گرفته می شود؛ اما در جهت گیری مذهبی بیرونی، مذهب امری خارجی و ابزاری برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می گیرد، به عبارت دیگر دین داری برای کسب امنیت و پایگاه اجتماعی است و افرادی که چنین جهت گیری دارند از دین به عنوان وسیله برای رسیدن به حاجات خود استفاده می کند.

باوجود داده های ذکر شده باید توجه شود که یکی از فرضیات اصلی نظریه دلبستگی این است که مدل های دلبستگی افراد در طول زمان نسبتاً ثابت هستند که این امر موجب جذابیت این نظریه برای پژوهشگران شده درحالی که برخی از روانشناسان گفته اند که دلیل کمی بر پایدار بودن این مدل ها وجود دارد (لوئیس^۳، ۱۹۹۷) علاوه بر این، داده های تجربی در ثبات این مدل ها مبهم است و برخی از پژوهشگران میزان متوسط تا بالایی از ثبات در دوره طولانی از زمان (واترز، مریک، تربوکس، کرول و البرشیم^۴، ۲۰۰۰) و برخی ثبات پایینی تا هیچ را (لوئیس، فیرینگ^۵ و روزنتال^۶، ۲۰۰۰) گزارش داده اند؛ و از طرفی فرضیه دلبستگی به خدا باوجود اینکه بسیاری از یافته های مربوط به دین را گردآوری و ساماندهی می کند، در برخی از موارد مبهم و نارسا است. طبق این فرضیه در برخی از افراد تداوم الگوهای مثبت ذهنی و در برخی دیگر فقدان این الگوها به رابطه دلبستگی ایمن به خدا می انجامد

1 Kal,hinton

2 Alport

3 Lewis

4 Waters. Merrick. Treboux.Crowell. Albersheim

5 Feiring

6 Rosenthal

(شبان، ۱۳۹۳). لذا این پژوهش به بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری و سبک‌های دل‌بستگی به والدین با دل‌بستگی به خدا در دو گروه دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی پرداخته و متغیر جهت‌گیری مذهبی به عنوان متغیر تعدیل‌کننده در نظر گرفته شده تا دل‌بستگی به خدا و عوامل مؤثر بر آن که از موضوعاتی است که مورد توجه روانشناسان حوزه دین قرار گرفته را، بهتر تبیین کند و به بررسی میدانی داده‌های نظری موجود بپردازد در نتیجه می‌توان الگوی مناسبی را برای خانواده‌های دین‌دار تبیین کرد تا زمینه‌سازی برای شکل‌گیری دل‌بستگی ایمن به خدا که طبق پژوهش‌های انجام شده با سلامت روانی افراد همبستگی دارد (میکولینسر و شیور، پرگ^۱ ۲۰۰۳) صورت گیرد.

۱-۳- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

اگر استدلال را از لحاظ قیاسی ملاحظه کنیم می‌توان گفت، همان فرایندی که در دل‌بستگی انسانی به عنوان نیروی میانجی بین سلامت و فشارهای محیطی عمل می‌کند، می‌تواند ارتباط‌دهنده سلامت و شکوفایی معنوی و دل‌بستگی به خدا باشد (غباری و حدادی، ۱۳۹۰). بالبی (۱۹۸۸) کیفیت دل‌بستگی را به عنوان عامل کلیدی عملکرد مؤثر شخصیتی و سلامت روان دانست. افرادی که دل‌بستگی ایمن در آن‌ها شکل می‌گیرد، می‌توانند طرح‌واره‌های شناختی-هیجانی خود را درونی کرده و الگوهای روانی خود (به عنوان افراد با ارزش برای مراقبت) و دیگران (به عنوان افراد قابل اعتماد، اتکا در دسترس و حمایت‌کننده) را شکل داده و آن‌ها را به صورت طرح‌واره‌های روانی درآورند (بالبی، ۱۹۸۸، سروف و واترز^۲، ۱۹۷۷). این پیوند عاطفی ایمن، موجب حفظ عواطف و هیجان‌های مثبت شده و در کاهش شدت هیجان‌های منفی تأثیر گذاشته و افراد را در مقابل ناگواری‌ها مقاوم می‌سازد (شور^۳، ۲۰۰۳). دل‌بستگی ایمن^۴ به والدین، تأثیرات مثبتی در سلامت و بهزیستی روانی دارد که در اعتماد به نفس بالا، شایستگی اجتماعی، رضایت از زندگی و کنار آمدن با تنیدگی‌ها نمود پیدا می‌کند (فوناگی^۵، ۱۹۹۹ به نقل از غباری و حدادی، ۱۳۹۰)؛ و در مقابل دل‌بستگی نایمن موجب پردازش اطلاعات سو گیرانه، تنظیم هیجان‌ات ضعیف و آسیب‌پذیری در مقابل اختلالات روانی در ارتباط با استرس‌های محیط می‌باشد (سروف، ۲۰۰۵، والتر و شیوت، ۲۰۰۶). دل‌بستگی نایمن با شاخص‌های مشکلات روانی مثل

1 Miekolenser, shyver, preg

2 Srooff. Wters

3 Shor

4 secure

5 Fonagie

اضطراب، افسردگی، ترس، احساس تنهایی، خجالتی بودن، حسادت و عدم اعتماد به دیگران همراه است (برنان، شیور و توبی^۱، ۱۹۹۱، کوباک و سری^۲، ۱۹۸۸، میکولینسر، فلوریان و ولر^۳، ۱۹۹۳، میکولینسر و شیور، ۲۰۰۵).

رابطه انسان و خدا از سنخ رابطه دلبستگی است (کریک پاتریک و شیور، ۱۹۹۰) و رفتارهای که فرد در ارتباط با خدا انجام می دهد مثل دعا و نیایش، مناسک، اضطراب جدایی و اعتراض به جدایی در صورت ادراک دوری از خدا، ویژگی رابطه های دلبستگی را دارد (غباری و حدادی، ۱۳۹۰) از طرفی برای موضوع دلبستگی ویژگی هایی ذکر شده که در خداوند به روشنی دیده می شوند:

۱. جستجو و حفظ مجاورت با خدا: به نظر می رسد آگاهی از وجود موضوع دلبستگی از لحاظ روان شناختی به رغم عدم حضور فیزیکی و قابلیت مشاهده، احساس ایمنی در فرد به وجود می آورد (سپاه منصور، شهابی زاده و خوشنویس، ۱۳۸۶).

در متون مذهبی هم وارد شده که خداوند همیشه نزدیک شما، (ق: ۱۶)^۴ شاهد شما (احزاب: ۹)^۵ و در مشکلات دستگیر شما است (طلاق: ۳)^۶.

۲. خداوند به منزله پناهگاه مطمئن: آلپورت (۱۹۵۰) به نقل از کریک پاتریک و شیور، (۱۹۹۲) معتقد است افراد در شرایط تنیدگی زا و بحرانی به مذهب رجوع می کنند و به سراغ خدا می روند. چنانکه خداوند می فرماید: هنگامی که به کشتی سوار می شوند، خدا را به اخلاص می خوانند و آنگاه که خداوند نجاتشان داد و به خشکی آورد، به ناگاه شرک می ورزند. (عنکبوت: ۲۵)^۷

۳. خداوند به منزله پایه و اساس ایمنی: فرد با اعتقاد به اینکه خداوند اساس ایمنی است، احساس قدرت کرده و در لحظات اضطراب اعتماد به نفس دارد.

1 Brnan,shiver,tobie

2 Kobak, sriy

3 Mikolenser,floriyan, veler

۴ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسَّوْسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

۵ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

۶ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

۷ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ

۴. جدایی و فقدان: جدایی از خدا موجب اضطراب و فقدان او موجب غم و اندوه

می‌شود.

۵. در نظر گرفتن خدا به عنوان قادر و دانای مطلق است (کریک پاتریک، ۱۹۹۴)

روابط دل‌بستگی انسانی و دل‌بستگی ایمن به خدا با شاخص‌های سلامتی و بهزیستی از قبیل خوش‌بینی، رضایت از زندگی، کاهش اضطراب و افسردگی و کاهش نشانگان جسمانی همراه است (سیم و لوح، ۲۰۰۳). محققان دریافتند که دل‌بستگی ایمن به خدا می‌تواند در برابر وقایع استرس‌آمیز زندگی از فرد محافظت کند (هومن و بوویاتز^۱، ۲۰۱۰)؛ و دل‌بستگی نایمن به خدا با سلامت روان پایین و مشکلات سازگاری، کاهش سلامت و بهزیستی مذهبی و وجودی، نوروژ گرای و افزایش هیجان‌های منفی همراه است (بک و مک‌دونالد، ۲۰۰۴، روات و کریک پاتریک، ۲۰۰۲). چستون (۲۰۰۳) پیشنهاد داد که بررسی تصور از خداوند مراجع، می‌تواند یک بینش از تصور مراجع از خودش، والدین و دیگران به دست دهد که از این بینش می‌توان برای فواید درمانی استفاده کرد، برای مثال اگر بیمار یک دید منفی نسبت به خدا داشته باشد درمانگر می‌تواند مراجع را برای کشف تجارب روحی و معنوی و طرح‌واره‌های ناسازگار شناختی که در تصور منفی از خدا نقش دارد، راهنمایی کند و بتواند آن‌ها را تغییر دهد؛ بنابراین روان‌شناسان و مراجعان از درک ویژه و پیچیده ارتباط معنویت، عقاید مذهبی و ارتباط بین معتقدان و خداوند بهره‌مند شوند. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند ادبیات روان‌شناسانه بر روی مذهب و معنویت به‌خصوص دل‌بستگی به خدا را گسترش دهد، همچنین می‌تواند نقطه روشنی در درمان، برای افزایش بهزیستی روان‌شناختی باشد. مشاوران، روان‌شناسان، کارشناسان دینی و برنامه‌ریزان می‌توانند این مفاهیم و تدابیر را برای مفهوم‌سازی و هدایت مراجع برای بررسی ارتباطات مذهبی در ارتباط با بهزیستی روان‌شناختی آن‌ها و مداخله‌های پیشگیرانه تربیتی به‌کارگیرند. همچنین روان‌شناسان تربیتی می‌توانند از نتایج این پژوهش برای کمک به رشد اخلاقی و روانی و بهبود سازگاری مثبت در هنگام استرس و افزایش بهزیستی روان‌شناختی استفاده کنند. با توجه به فقدان اطلاعات کافی در این خصوص و همچنین اهمیت شناخت مسئله دل‌بستگی به خدا پژوهش در زمینه شناسایی عوامل مرتبط با دل‌بستگی به خدا لازم به نظر می‌رسد.

۱-۴- فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: بین سبک های فرزند پروری، انواع دلبستگی به والدین، دلبستگی به خدا و جهت گیری مذهبی همبستگی وجود دارد

فرضیه دوم: بین سبک های فرزند پروری و انواع دلبستگی به والدین با دلبستگی به خدا در دو گروه جهت گیری مذهبی تفاوت معنادار وجود دارد

فرضیه سوم: سبک های فرزند پروری و انواع دلبستگی به والدین در دو گروه جهت گیری مذهبی، می تواند دلبستگی به خدا را پیش بینی کند

۱-۵- اهداف

هدف کلی: تبیین همبستگی سبک های فرزند پروری، انواع دلبستگی به والدین، دلبستگی به خدا و جهت گیری مذهبی

اهداف ویژه

۱. شناسایی سبک فرزند پروری ادراک شده در نمونه آماری
۲. شناسایی انواع سبک های دلبستگی نمونه آماری به والدینشان
۳. تعیین جهت گیری مذهبی نمونه آماری
۴. تبیین تفاوت سبک های فرزند پروری و انواع دلبستگی به والدین با دلبستگی به خدا در دو گروه با جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی
۵. تبیین پیش بینی کنندگی سبک های فرزند پروری و انواع دلبستگی به والدین در دو گروه جهت گیری مذهبی از دلبستگی به خدا

۱-۶- متغیرهای پژوهش

در این پژوهش دلبستگی به خدا به عنوان متغیر ملاک و متغیر پیش بین شامل سبک های فرزند پروری و سبک های دلبستگی به والدین است؛ و متغیر جهت گیری مذهبی به عنوان متغیر تعدیل کننده در نظر گرفته شده است.

۱-۶-۱- تعریف مفهومی متغیرها

سبک‌های فرزند پروری

فرزند پروری فعالیت پیچیده‌ای شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه است که به‌طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. درواقع پایه و اساس شیوه فرزند پروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (بامریند، ۱۹۹۱).

دل‌بستگی به والدین

دل‌بستگی عبارت است از پیوند عاطفی عمیقی که با افراد خاصی در زندگی خود برقرار می‌کنیم به‌طوری‌که باعث می‌شود وقتی با آن‌ها تعامل می‌کنیم، احساس نشاط کرده و به هنگام استرس، از اینکه ایشان را در کنار خودداری احساس آرامش می‌کنیم (برک، ۲۰۰۱، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۶).

سبک‌های دل‌بستگی: بر اساس پژوهش‌ها انجام‌شده دل‌بستگی دارای سه سبک ایمن، اجتنابی و اضطرابی - دوسوگرا هست. هازن و شیور (۱۹۹۰) سبک‌های دل‌بستگی را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

الف: سبک دل‌بستگی ایمن: افراد دارای این سبک برایشان آسان است که با دیگران رابطه نزدیکی برقرار کنند؛ و از اینکه به دیگران تکیه کنند یا به دیگران اجازه دهند به آن‌ها تکیه کنند، احساس راحتی می‌کنند. این افراد از اینکه دیگران آن‌ها را ترک کنند و یا خیلی نزدیک شوند، احساس نگرانی نمی‌کنند.

ب: سبک دل‌بستگی اجتنابی: افراد دارای این سبک از اینکه به دیگران نزدیک شوند، احساس ناراحتی می‌کنند و نمی‌توانند به‌طور کامل به دیگران اعتماد کنند. این افراد به‌سختی به خودشان اجازه می‌دهند که به دیگران تکیه کنند؛ و وقتی می‌بینند کسی می‌خواهد خیلی به آن‌ها نزدیک شود عصبی می‌شوند و احساس می‌کنند دیگران اغلب می‌خواهند بیشتر از حدی که آن‌ها احساس می‌کنند، با آن‌ها صمیمی شوند.

ج: سبک دل‌بستگی مضطرب - دوسوگرا: افراد دارای این سبک کسانی هستند که احساس می‌کنند دیگران مایل نیستند آن‌قدر که دوست دارند با آن‌ها رابطه نزدیک داشته باشند. آن‌ها اغلب نگران هستند که همسرشان واقعاً آن‌ها را دوست نداشته باشد یا نخواهد در آینده با آن‌ها زندگی کند.

آن‌ها مایل‌اند با بعضی افراد یکی شوند ولی این خواسته بعضی اوقات باعث ناراحتی و دوری مردم از آن‌ها می‌شود.

دلبستگی به خدا

دلبستگی به خداوند، چارچوب محکمی برای فهم جنبه‌های مختلف و متعدد باورهای مذهبی به‌ویژه با در نظر گرفتن ارتباط ادراک‌شده فرد با خدا فراهم می‌آورد (رووات و کریک پاتریک، ۲۰۰۶).

جهت‌گیری مذهبی

منظور از جهت‌گیری مذهبی، نگرش نظام‌داری از باورها و اعمال نسبت به امور مقدس است. روشی است که معطوف به امر مقدس در دو بُعد آشنایی و دین‌باوری می‌شود، نگرش به امور ماورائی است که احراز و تقویت آن یگانگی، ثبات، استمرار و پایداری فرد در جامعه را موجب می‌شود. آلپورت^۱ (۱۹۶۸) در گستره شخصیت و روان‌شناسی اجتماعی برحسب جهت‌گیری دینی افراد، آن‌ها را به دو نوع جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی تقسیم کرده است. از نظر آلپورت (۱۹۶۸) افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی، به لحاظ نظری دارای باورهای مذهبی هستند. در دیدگاه جهت‌گیری مذهبی بیرونی، مذهب ابزار ارضای نیازهای اولیه فرد خواهد بود. از دیدگاه آلپورت (۱۹۶۸) افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی ضمن درون‌سازی ارزش‌های دینی، مذهب را به‌مثابه هدف در نظر می‌گیرند. در این جهت‌گیری، دین دارای کنش ورزی خودمختاری و مستقلی و به انگیزه برتر مبدل می‌شود (قربانی، ۱۳۹۰).

۱-۶-۲- تعریف اصطلاحی متغیرها

سبک‌های فرزند پروری

در این پژوهش منظور از سبک‌های فرزند پروری میزان نمره‌ای است که پاسخگو از پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری بامریند (۱۹۹۱) به دست می‌آورد.

دلبستگی به والدین

در این پژوهش منظور از دلبستگی به والدین نمره‌ای است که آزمودنی آن را در پاسخ به مقیاس سبک‌های دلبستگی کولینز و رید^۲ (۱۹۹۰) کسب می‌کند.

دلبستگی به خدا

1 Allport

2 Revised Adult Attachment Scale(Collins&Read1990)

در این پژوهش منظور از دل‌بستگی به خدا نمره‌ای است که آزمودنی در پرسشنامه دل‌بستگی به خدا برگرفته از پرسشنامه غباری بناب و حدادی کوهسار، (۱۳۹۰) به دست می‌آورد.

جهت‌گیری مذهبی

منظور از جهت‌گیری مذهبی نمره‌ای است که آزمودنی از پرسشنامه گرایش‌های مذهبی آلپورت (۱۹۶۷) به دست آورد.

فصل دوم

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مقدمه

در این بخش به منظور مطالعه و بررسی تاریخچه و مبانی نظری، در ابتدا به تعریف سبک فرزند پروری، دل‌بستگی والدین، دل‌بستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی و همچنین نظریه‌های مطرح‌شده در آن‌ها خواهیم پرداخت. در نهایت در پایان این فصل به بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با موضوع پژوهش در ایران و خارج از ایران خواهیم پرداخت.

۲-۱- سبک‌های فرزند پروری

خانواده اولین محیطی است که فرد در آن نحوه واکنش به موقعیت‌ها را تجربه می‌کند. گرمی و صمیمیت فضای خانواده در پرورش قوای مثبت و سازنده کودکان و نوجوانان بسیار حائز اهمیت است. از طرف دیگر، بسیاری از ناراحتی‌های روانی افراد در اثر رفتارها و برخوردهای نامناسب والدین به وجود می‌آید. والدین پا به پای بذل‌توجه و محبت به فرزندان، توقع دارند کودکانشان رفتار خاصی را در سنین معینی از خود نشان دهند، آنان در این راستا راهبردها و رفتارهای خاصی را اعمال می‌کنند که به آن‌ها سبک‌های فرزند پروری گفته می‌شود. به عبارت دیگر، شیوه مورد استفاده والدین برای ایجاد ارتباط با فرزند و آموختن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، فرزند پروری نامیده می‌شود (دارلینگ و استنبرگ^۱، ۱۹۹۳)

۲-۱-۱- نظریه‌های مطرح در مورد سبک‌های فرزند پروری

۲-۱-۱-۱- آدلر

یکی از نظریه‌پردازان سبک‌های فرزند پروری آدلر^۲ است. آستین^۳ (۲۰۰۲)، به نقل از کریمی (۱۳۸۹) مواردی را به دیدگاه او اضافه کرد و بخش‌بندی جدیدی از آن را بیان کرد:

1 Darling, Steinberg

2 Adler

3 Stein

۱. سبک آزادمنش و امیدبخش: پدر و مادر در این روش منحصر به فرد بودن فرزند خود را باور ندارند. حس، عاطفه، احترام و برابری را به او می دهند. طفل را با شوق به سمت این هدایت می کنند که ایرادات خود را تصحیح کند و استعدادهای خویش را افزایش داده، مهم بودن همکاری را با تمام وجود بفهمد.

۲. سبک بسیار آسان گیر: پدر و مادر، پاداش و امتیازات بسیاری به طفل خود داده اما توجه و تمرکزی به نیازهای کودک ندارند. کودک در چنین شرایط خسته کننده و بی تفاوت می باشد و خلاقیت و خودانگیختگی خویش را ازدست داده.

۳. سبک بسیار مطیع: پدر و مادر تسلیم آرزوها، درخواست ها و امیال فرزند می شوند. پدر و مادر توانایی نه گفتن به فرزند خویش را ندارند. فرزند آنها در چنین شرایطی به آسانی حقی برای دیگر افراد در نظر نمی گیرد و محدودیتی را در سر راه خود نمی بیند.

۴. سبک بسیار جدی: پدر و مادر مداوم کردار فرزند خود تحت نظر داشته و به صورت مداوم در حال امر کردن می باشند، به شدت سخت گیر هستند و اشتیاق فراوان دارند کودک خود را آموزش دهند. در این شرایط ممکن است که فرزند آنها منفعلانه اوامر را پیروی کند و یا برعکس لج کرده و یا منفعلانه دست به مقاومت زند که ویژگی آن کاهلی، رؤیاپردازی کردن و نسیان است که نتیجه ای جز نافرمانی ندارد.

۵. سبک کمال گرا: پدر و مادر دارای بایدونبایدهای بالایی هستند و فقط در یک صورت کودک را باور دارند که فعالیتش بر طبق مؤلفه های والدین باشد. فرزند تلاش فراوانی می کند اما او قادر نیست بایدونبایدها را اجرا کند، نتیجه این می شود که فرزند حس ارزشمندی خودش را از دست می دهد.

۶. سبک بسیار مسئول: به علل مختلف به عنوان مثال شرایط اجتماعی، مرگ یا کسالت امکان دارد یکی از پدر و مادر کارها و مسئولیت های ویژه ای را به فرزند خود بدهد. فرزند امکان دارد این شرایط سخت را با ناراحتی قبول کند و از آسایش و آرامش دوران بچگی خود را محروم کند.

۷. سبک بی توجه: پدر و مادر همواره درگیری زیادی دارند یا حضور ندارند، هیچ شخصی محدودیتی نمی گذارد. پدر و مادر قادر نیستند با فرزند خود رابطه نزدیک برقرار کنند.